

Fred Uhlman
L'ami retrouvé
 titre original:
Reunion
 traduit de l'anglais
 par Léo Lack
 Éditions Gallimard, Paris, 1978

Uhlman, Fred	اولمن، فرد، ۱۹۰۱-۱۹۸۵ م.	سرشناسه:
	دوست بازیافته؛ فرد اولمن؛ مترجم مهدی سحابی.	عنوان و پدیدآور:
	تهران، نشر ماهی، ۱۳۸۵.	مشخصات نشر:
	۱۱۲ ص.	مشخصات ظاهری:
	ISBN 964-9971-17-3	شابک:
	فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.	یادداشت:
<i>L'ami retrouvé</i>	عنوان اصلی:	یادداشت:
	کتاب حاضر از متن فرانسوی ترجمه شده است.	یادداشت:
	چاپ قبلی: نشر نو، ۱۳۶۱.	یادداشت:
	داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰ م.	موضوع:
	سحابی، مهدی، ۱۳۲۳ - مترجم.	شناسای افزوده:
	۱۳۸۵ د ۹۷۸الف / PZ۳	رده‌بندی کنگره:
	۸۲۳/۹۱۲	رده‌بندی دیویی:
	شماره‌ی کتابخانه‌ی ملی: ۸۵-۲۰۹۲۹ م	

دوست بازیافته

فرد اولمن

مترجم

مهملی سخابی



نقش‌ماهی

تهران

۱۳۸۶

دوست باز یافته

نویسنده
مترجم

فرد اولمن
مهدی سجایی



چاپ اول
نیراز

بهار ۱۳۸۶
۲۰۰۰ نسخه



مدیر هنری
حروف‌نگار
چاپ جلد
لینوگرافی

حسین سجادی
مهدی راشویی
چاپ صنوبر
گرافیک‌گستر

چاپ متن و صحافی
سازمان چاپ و انتشارات

وزارت ارشاد اسلامی
سازمان چاپ و انتشارات



شابک ۹۶۴-۹۹۷۱-۱۷-۳
همه حقوق برای ناشر محفوظ است.



نشریات

تهران، خ انقلاب، رویه روی سینما سیده، شماره‌ی ۱۲۹۸، واحد چهارم
تلفن و دورنگار: ۶۶۹۵ ۱۸۸۰

مقدمه

چند سال پیش، هنگامی که برای نخستین بار دوست بازیافته را می‌خواندم، در نامه‌ای به فرد اولمن (که در آن زمان او را به عنوان یک نقاش می‌شناختم) نوشتم که کتاب او را یک شاهکار کوچک می‌دانم، و این عنوانی است که شاید به توضیح مختصری نیاز داشته باشد. کتاب را از آن نظر «شاهکار کوچک» خوانده بودم که حجم اندکی داشت و این احساس را به دست می‌داد که علی‌رغم موضوعش، که یکی از دردناک‌ترین فاجعه‌های تاریخ بشر است، بالحنی آرام و سرشار از دل‌نگی نوشته شده است.

این کتاب، از نظر حجم، نه رمان است و نه ناول، بلکه قصه‌ای است، تفصیل و گستردگی رمان را ندارد، اما ناول نیز نیست، زیرا ناول معمولاً گوشه یا مقطعی از زندگی را می‌نمایاند، حال آن‌که قصه از آن کامل‌تر و نوعی رمان بسیار کوچک است. فرد اولمن در نوشتن چنین رمان کوچکی بسیار موفق بوده است، شاید از این‌رو که مانند همه‌ی نقاشان می‌داند که چگونه جزئیات تصویری را که می‌خواهد بکشد در چارچوب محدود بوم جا دهد، حال آن‌که نویسندگان، متأسفانه، هنگام نوشتن مقدار نامحدودی کاغذ در دسترس دارند.

موفقیت دیگر او در این است که توانسته است قصه‌ی خود را به زبانی آهنگین بازگو کند که در عین حال هم سبک و غنایی و هم ژرف و نافذ است. هانس شوارتس، قهرمان کتاب، می‌گوید: «زخمی که بر دل دارم هنوز باز است، و هر بار که به یاد آلمان می‌افتم گویی بر آن نمک می‌پاشند.» با این همه خاطرات گذشته‌اش آمیخته با آرزوی دیدار دوباره‌ی زادگاه خود است و «تپه‌های لاجوردی منطقه‌ی سوآب، که پوشیده از باغ‌ها و تاکستان‌ها بود و بر جای‌جای آنها کاخ‌هایی جلوه می‌فروخت» یا «جنگل سیاه که از درختان تیره‌ی آن بوی قارچ و عطر اشک عنبری سقر در هوا پراکنده بود، و جویبارهایی پر از ماهی قزل‌آلا در لابه‌لای آن ترنم داشت که در کنارهای آنها کارگاه‌های چوب‌بری بر پا بود.» هانس شوارتس را از آلمان رانده‌اند، پدر و مادرش سرانجام از فرط سرگستگی خود را می‌کشند، با این همه آنچه از این قصه در خاطره می‌ماند عطر تاکستان‌ها و دهکده‌های کنارِ رودنکار و راین است. در این کتاب از خروش و خشم واکنری اثری نیست، چنان است که گویی مونتسارت «غروب خدایان» واکنش را باز نویسی کرده است.

دوباره‌ی دورانی که جسدهای آدمیان را ذوب می‌کردند تا از آنها برای پاکیزگی نژاد برتر صابون بسازند، صدها کتاب بزرگ و قطور نوشته شده است. اما یقین دارم که این کتاب کوچک برای همیشه جایی را در کتابخانه‌ها از آن خود خواهد کرد.

آرتور کوستلر

لندن، ژوئن ۱۹۷۶